

روایتی از بی لیاقتی جانشینان امیرکبیر

هرچه امیر رشته بود؛ پنبه کردند!

۶ مهر ۱۳۹۷ ساعت ۱۱:۵۵

بدون تردید دوران صدرات امیرکبیر در زمان سلطنت قاجاریه، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می شود و اقدامات اصلاحی وی می توانست در روند نوسازی ایران در ابعاد مختلف تاثیر گذار باشد و این کشور را در مسیر توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دهد. امری که به خاطر توطئه های داخلی و خارجی با قتل امیر کبیر ناتمام ماند.

بدون تردید دوران صدرات امیرکبیر در زمان سلطنت قاجاریه، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می شود و اقدامات اصلاحی وی می توانست در روند نوسازی ایران در ابعاد مختلف تاثیر گذار باشد و این کشور را در مسیر توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دهد. امری که به خاطر توطئه های داخلی و خارجی با قتل امیر کبیر ناتمام ماند. جان فوران در کتاب مقاومت شکننده می نویسد: «در دو دهه پس از امیر کبیر تقریباً همه طرح های امیر کبیر بر هم زده شد. ارتش از هم گیسخت؛ کارخانه ها تعطیل شدند و کسری بودجه مجدداً پدیدار گردید. قحطی سال ۱۸۶۹-۷۰ م/۱۲۴۸-۴۹ ش بر بی لیاقتی شاه و سرکوب محافظه کارانه دولت سرپوش نهاد. حتی در همین قحطی و کمبود کالاها در دوره بعد نیز تبدیل زمین ها از تولید مواد غذایی به خشخاش، که معمولاً کار سود آوری بود، نقش مهمی داشت. ایران در این مقطع هر چه بیشتر به واردات کالاهای غربی وابسته شده بود و صادرات کشاورزی آن نیز تابع نوسانات بازار جهانی شد که غیر قابل اعتماد بود و جامعه هر چه بیشتر به سمت طبقاتی شدن (که معمولاً به طبقات فقیرتر لطمه می زند) پیش می رفت و فواصل درآمدهای طبقاتی رو به افزایش بود. به چند کشور معدود غربی وابستگی خطرناکی وجود داشت و دولت نیز قدم های مؤثری در جهت تقویت اقتصاد ایران در مقابل اقتصاد غرب بر نمی داشت.»

منبع: جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا، ۱۳۸۵، ص ۲۷۸

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/37212/امیرکبیر-جانشینان-لیاقتی-بی-روایتی/>